

## دردسر انار شب یلدا

سیدجیحی هاشمی  
کارشناس اورژانس

شب یلدا بود، تیک تاک عقربه‌های ساعت ۹ شب را نشان می‌داد که با مرکز فوریت‌های اورژانس تماس گرفتند و اعلام شد که دخترپچه‌ای دچار انسداد تنفسی شده است، خیلی سریع سوار آمبولانس شدیم و با عبور ازخیابان های پر ترافیک پایتخت خود را به محل حادثه رساندیم. مقابل در خانه که رسیدیم جمعیت زیادی جلوی در ایستاده بودند وصدای گریه و شیون از طبقه پنجم یک آپارتمان به گوش می‌رسید.

آنقدر جمعیت زیاد بود که اصلاً متوجه حضور ما نبودند تا اینکه با صدای بلند از همسایه‌ها خواستیم کنار بروند و راه را باز کنند. وقتی بالای سر کودک که یک دختر شش ساله به نام نیکا بود رسیدیم متوجه شدیم که هنگام خوردن انار یک دانه به گلویش پریده و باعث انسداد مجاری تنفسی اش شد.

کودک در آغوش مادرش بود و رنگش به سیاهی می‌زد. لحظات سخت و پراضطرابی بود ظاهر دخترک نشان می‌داد که زمان زیادی برای امداد رسانی نداریم او را از مادرش گرفتیم و عملیات نجات برای باز کردن راه تنفسی و بیرون کشیدن دانه انار از گلویش را آغاز کردیم.

در کمتر از چند ثانیه و با چند حرکت ناگهان دانه انار بیرون پرید و دخترک شروع به سرفه و نفس کشیدن کرد. پدر و مادرش با دیدن این صحنه از خوشحالی به گریه افتادند و خدا را به خاطر بازگشت دوباره دخترشان به زندگی شکر کردند.

بعد پدر و مادرش تعریف کردند که دخترشان در حال خوردن انار بوده که به یک باره یکی از دانه‌های انار به گلویش پریده است اما اعضای خانواده که با کمک‌های اولیه آشنا نبودند به جای اینکه او را وادار به سرفه کنند چند ضربه به پشت و کمر او زده بودند که دانه انار بیشتر وارد مجاری تنفسی شده بود و او را تا یک قدمی خفگی پیش برده بود.

این عملیات در آن شب سرد با نجات دخترک به خاطره‌ای تبدیل شد که همیشه در ذهنم باقی می‌ماند.

## کلاهبرداری با ملک ستاد فرمان اجرایی امام

**گروه حوادث /** مرد شاید که با جعل سند، ملک متعلق به ستاد اجرایی فرمان امام را به ارزش ۲۰ میلیارد تومان فروخته بود از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل مردی با مراجعه به پلیس از یک کلاهبرداری ۲۰ میلیارد تومانی خبر داد و گفت: قصد خرید یک قطعه پلاک ثبتی در محدوده خیابان هاشمی در جنوب غرب تهران را داشتم به‌همین خاطر به چند مشاور املاک مراجعه کردم.

در جریان همین جست‌وجوها یکی از مشاورین املاک ملکی را به من پیشنهاد داد و گفت که فردی قصد فروش یک پلاک ثبتی را دارد که قیمتش بسیار مناسب و پایین‌تر از معیار منطقه است بنابراین پس از انجام بازدید و اقدام‌های اولیه ملک را ۲۰ میلیارد تومان خریدم.

سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی پایتخت در تشریح این خبر گفت: در ادامه شاکی اقدام به مشاهده اسناد مالکیت فروشنده کرد و متصدی مشاور املاک نیز مباحثه‌نامه‌ای را میان این دو نفر تنظیم کرد. شاکی نیز مبلغ ملک را به‌طور کامل پرداخت کرده اما زمانی که برای تنظیم سند به دفترخانه‌ای که از قبل معین شده بود، رفتند در جریان استعلام‌های انجام شده متوجه شدند که سند ملک جعلی بوده و ملک متعلق به ستاد اجرایی فرمان امام است.

بدین ترتیب پرونده‌ای تشکیل شد و دستگیری متهم در دستور کار پلیس قرار گرفت. کارآگاهان پلیس امنیت اقتصادی در رصد‌های اطلاعاتی پیچیده خود موفق شدند مخفیگاه متهم را در محدوده جنوب غرب تهران شناسایی کنند و با هماهنگی مقام قضایی تیمی از کارآگاهان به مخفیگاه او رفته و در عملیاتی متهم را دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه به جرم خود اعتراف کرد و برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شد.

## فروش طلای آب شده ترند تازه کلاهبرداران

**گروه حوادث /** مرد شاید که به بهانه خرید و فروش طلای آب شده ۱۰۰ میلیون تومان از مردی کلاهبرداری کرده بود، به دام افتاد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل شخصی با در دست داشتن پرونده‌ای از دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای «تاجیه ۳۱ تهران» به پلیس فتا مراجعه کرد و گفت: در فضای مجازی با شخصی ناشناس آشنا شدم که با ترندهای زیرکانه و با این عنوان که از راه خرید طلای آب شده بدون اجرت و سود فراوانی نصیب من می‌شود بنده را فریب داده و بعد از اینکه بیش از یک میلیارد ریال کلاهبرداری کرد و هیچ طلایی نیز برایم ارسال نکرد من را از داخل کانال بیرون انداخت و دیگر پاسخگویم نبود.

پس از این شکایت در تحقیقات اولیه مشخص شد دو کانال و یک گروه تلگرامی با بیش از ۸۰ هزار نفر عضو در این خصوص فعالیت دارد و روزانه تعداد زیادی از کاربران فضای مجازی به این کانال‌ها و گروه‌ها مراجعه می‌کنند.

سرهنگ گودرزی، رئیس پلیس فتا ابراز داشت: با اقدامات تخصصی افسران سایبری پلیس فتا ادمین اصلی این کانال‌ها و گروه‌ها در فضای مجازی شناسایی شدند و با به‌کارگیری فنون پلیسی، پس از احراز هویت متهم، مخفیگاه وی در یکی از محله‌های شرق استان تهران شناسایی و با هماهنگی‌های قضایی متهم در مخفیگاهش دستگیر و به همراه تجهیزات الکترونیک به پلیس فتا انتقال یافت.

متهم پس از انتقال به پلیس فتا علاوه بر اعتراف به جرم ارتكابی به چند جرم مشابه دیگر اعتراف کرد.

سرهنگ گودرزی به شهروندان توصیه کرد: بررسی پرونده‌های سایبری نشان می‌دهد خرید و فروش طلا و ارز در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مورد توجه کلاهبرداران سایبری قرار دارد و این مجرمان به بهانه خرید با فروش با شهروندان ارتباط برقرار کرده و با شگردهای مختلف سعی در فریب و کلاهبرداری از آنان دارند. بنابراین شهروندان بدون تحویل گرفتن کالا و اطمینان از اصالت آن از پرداخت بیعانه خودداری کنند.

**گروه حوادث/** دو مرد تبهکار که

به دختری جوان تعرض کرده

بودند از سوی قضات دادگاه

کیفری به اعدام محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث

«ایران»، حدود ۲ سال قبل

دختری با شکایت به پلیس

مدعی شد از سوی یک دایی و

خواهرزاده مورد تعرض قرار

گرفته است. با توجه به شرایط

جسمی این دختر بلافاصله

بازپرس کشیک او را به پزشکی

قانونی معرفی کرد و در همین

حین نیز پرونده با توجه به

مطرح شدن جرم تجاوز به

دادگاه کیفری استان تهران

فرستاده شد.

در ادامه کارشناسان پزشکی قانونی با توجه به جراحاتی که روی بدن این دختر جوان وجود داشت احتمال وقوع تجاوز را تأیید کردند و با توجه به این نظریه بود که قضات شعبه ۷ دادگاه کیفری به تحقیق از لیلا پرداختند. وی در تشریح حادثه گفت: مدتی قبل در فضای مجازی با سبنا آشنا شدم، چند روزی که گذشت او از من خواست تا همدیگر را ملاقات کنیم من هم قبول کردم. وقتی با خودرواش دنبالم آمد بین راه گفت دایی‌اش سعید هم می‌خواهد مرا ببیند و از من اجازه گرفت تا دنبال دایی‌اش برویم. من قبول کردم و سبنا دایی‌اش را سوار کرد تا به رستوران برویم اما سعید

گفت باید به خانه برود و لباس عوض کند. وقتی به مقابل خانه سعید رسیدیم در پارکینگ را باز کرد و داخل ساختمان شد.

با نگرانی و ناراحتی به سبنا گفتم چرا وارد ساختمان شدی که او گفت تنرس به من اعتماد کن. اما وقتی خودرو را متوقف کرد آنها به زور مرا با سبنا آشنا شدم، چند روزی که داخل خانه بردند.

بعد هم به طرز وحشیانه‌ای اول سعید و بعد سبنا به من تعرض کردند. خیلی تلاش کردم مقاومت کنم و خودم را نجات دهم اما بی‌فایده بود.

آنها تهدید کردند اگر شکایت کنم من را می‌کشند و به خانواده‌ام

آسیب می‌زنند. همان لحظه تصمیم گرفتم شکایت کنم چون دیگر برایم مهم نبود که کشته شوم. فقط می‌خواستم شکایت کنم و این

دو نفر مجازات شوند.

بدین ترتیب با توجه به اظهارات لیلا و نشانی خانه‌ای که داده بود مأموران پلیس به سراغ سبنا رفتند و او را دستگیر کردند اما وی منکر اتهام خود شد. در ادامه وقتی مأموران

بررسی بیشتری کردند متوجه شدند نام واقعی او سیامک است و مشخصاتی که از خودش به لیلا گفته دروغ بوده است.

بعد از یک هفته بازجویی سرانجام این پسر ۲۱ ساله لب به اعتراف گشود و گفت: سعید دایی

من نیست، دوستم است و ۲۰ سال از من بزرگتر است اما چند سالی است که با هم دوست هستیم.

متهم گفت: سعید به من گفته بود برایش یک دختر ببرم. او آدم

خلافکاری است و اگر کاری را که گفته بود انجام نمی‌دام به من آسیب

می‌رساند. به همین خاطر وقتی گفت لیلا را برایش ببرم چاره‌ای جز اطاعت نداشتم.

سیامک درباره اینکه چرا خودش نیز به دختر جوان تجاوز کرد گفت:

من نمی‌خواستم این کار را بکنم.

سعید با شمشیر به سراغم آمد و

گفت نمی‌خواهد اگر گرفتار شد تنها باشد و من را هم وادار کرد به دختر

جوان تعرض کنم.



# مجازات اعدام برای دوست تبهکار

بدین ترتیب با اطلاعاتی که سیامک به پلیس داد چند روز بعد سعید نیز شناسایی و دستگیر شد. مأموران در بازرسی از خانه وی مدارکی به دست آوردند که نشان می‌داد او یک خلافکار و مجرم حرفه‌ای است.

همچنین مشخص شد سعید با یکی از مدارک شناسایی مسروقه‌ای که در خانه‌اش بود حساب بانکی هم باز کرده و کارهای خلاف را با آن حساب بانکی انجام می‌دهد.

وقتی متهم مورد بازجویی قرار گرفت گفت: من در کار جعل بودم و با مدارک شناسایی مردم کار می‌کردم و این مدارک را هم از یک زندانی خریداری کردم آن زندانی

بعدها در زندان فوت کرد. پلیس متوجه شد سعید سابقه‌دار است و بارها به اتهام سرقت و کلاهبرداری و شرارت به زندان افتاده و حبس کشیده است. اما سعید موضوع تجاوز را انکار کرد و گفت: من چنین کاری نکردم و سیامک و دختر جوان درباره من دروغ می‌گویند.

اما مأموران با بررسی تماس‌ها و پیامک‌های سعید و سیامک دریافتند وی از سیامک خواسته بود تا لیلا را به خانه‌اش ببرد. بدین ترتیب مدارک علیه وی کامل شد و پرونده سیامک و سعید به اتهام آدم ربایی، تجاوز به عنف و اگره و سرقت به شعبه هفتم دادگاه کیفری رفت تا متهمان محاکمه شوند.

در جلسه دادگاه باز هم سعید اتهام تجاوز را انکار کرد و سیامک هم مدعی شد اگر به لیلا تجاوز نمی‌کرد به دست سعید کشته می‌شد اما دادگاه هر دو متهم را مجرم تشخیص داد و به جرم تجاوز به عنف به اعدام با طناب دار محکوم کرد.

درباره اتهام آدم ربایی نیز هر دو متهم مجرم شناخته و به ۸ سال حبس محکوم شدند. همچنین سعید به خاطر وارد کردن آسیب بدنی به دختر جوان حین تعرض به پرداخت دیه نیز محکوم شد. بدین ترتیب با ابلاغ حکم به متهمان پرونده در انتظار ادامه روند رسیدگی است.

## قصاص ناملاری برای قتل شوهر

**گروه حوادث /** زنی که مدعی است همسرش را به خاطر بدرفتاری با دختر کوچکش به قتل رسانده از سوی شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با گزارش مرگ مردی به‌نام اکبر در خانه آغاز شد. مأموران بلافاصله به محل مراجعه کردند و همسر و دختر وی که در خانه بودند مدعی شدند او خودکشی کرده است. اما بررسی‌ها و تحقیقات پلیس مشخص کرد که اکبر به قتل رسیده و موضوع خودکشی فقط برای انحراف مسیر تحقیق مطرح شده است. پس از آن همسر او بازداشت شد و در بازجویی‌ها به قتل شوهرش اعتراف کرد. بدین ترتیب فخری – همسر مقتول – به اتهام قتل عمد بازداشت شد و پس از تحقیقات تکمیلی کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دادگاه، دو دختر کوچک مقتول نسبت به مادرشان اعلام گذشت کردند ولی دختر بزرگ اکبر که از همسر اولش بود، درخواست قصاص کرد.

در ادامه متهم ردیف اول به جایگاه رفت و گفت: شوهرم از همسر اولش جدا شده بود که به خواستگاری من آمد. او ۱۸ سال از من بزرگ‌تر بود، اما به‌دلیل اینکه من شرایط خوبی نداشتم، پذیرفتم با او ازدواج کنم. ما در سال‌هایی که با هم زندگی کردیم صاحب ۲ دختر شدیم. در زمان حادثه دختر کوچک ۸ ساله و دختر بزرگ ۱۴ ساله بودند. اکبر مرد بدخلقی بود و مدام ما را اذیت می‌کرد و با هر بهانه‌ای کتک‌مان می‌زد. من در تمام طول این سال‌ها سعی کردم صبوری کنم اما تحمل کتک خوردن دخترانم را نداشتم. همسر اولش هم به‌خاطر همین بد رفتاری‌هایش از او جدا شده بود.

وی درباره جزئیات روز حادثه گفت: روز حادثه اکبر در حال درس پرسیدن از دختر کوچکم بود که به یکباره عصبانی شد و دخترم را کتک زد و بعد هم به او فحش داد. خیلی از رفتارش ناراحت شدم، به او اعتراض کردم که عصبانی شد و به سمت من هم حمله کرد. بعد دوباره به سراغ دخترم رفت و او را کتک زد. آن‌قدر عصبانی شدم که اصلاً نفهمیدم چه کاری انجام می‌دهم. با او درگیر شدم. وقتی روی زمین افتاد، او را به قتل رساندم، البته قصدم کشتن شوهرم نبود وقتی اشک‌ها و ناله‌های دخترم را دیدم دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم.

پس از پایان اظهارات متهم قضات شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و همسر مقتول را به اتهام قتل عمدی و با توجه به درخواست یکی از اولیای دم به قصاص محکوم کردند.

## رهایی از چوبه دار به شرط درختکاری

با اعتراض متهم، پرونده او برای محاکمه مجدد به شعبه هم‌عرض رفت و این‌بار نیز قضات دادگاه حکم بر قصاص دادند. چرا که متهم می‌دانسته که چاقو کشنده است. با تأیید این حکم از سوی دیوانعالی کشور، پرونده برای اجرا به دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد.

### ■ شرط‌برای رضایت

با جلسات متعدد صلح و سازشی که از سوی محمد شهریار سرپرست دادسرای امور جنایی تهران و محسن اختیاری سرپرست اجرای احکام برگزار شد سرانجام روز گذشته، خانواده مقتول به احترام روز میلاد حضرت زینب و به دو شرط از قصاص قاتل فرزندشان گذشت کردند.

اولین شرط آنها این بود که قاتل باید به مدت ۳۰ سال در روز جنایت که ۲۷ شهریور بوده و همچنین در روز عاشورا، ۲۰ تهنال درخت در کانون اصلاح و تربیت بکارد و شرط دوم خانواده نیز نقل مکان از شهر محل حادثه بود تا دیگر او را نبینند.

مأموران با هماهنگی قضایی راهی خانه خواهر اشکان شدند اما او را پیدا نکردند از آنجایی که آنها مطمئن بودند اشکان داخل خانه است شروع به بازرسی کردند و در نهایت متهم نوجوان را داخل کمد دیواری و پشت رختخواب‌ها پیدا کردند.

اشکان در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد و گفت: آن شب حال خوبی نداشتم و مشروب خورده بودیم. دوستانم پیشنهاد پیاده‌روی شبانه دادند و من هم استقبال کردم. اما با سرنشینان پژو دعایمان شد و من ناخواسته چاقویی که همراه داشتم پرتاب کردم و قصد کشتن نداشتم. فقط چون دعوا شده بود به هواخواهی دوستانم این کار را انجام دادم.

با اعتراف متهم نوجوان به قتل، پرونده او برای صدور حکم به دادگاه کیفری استان تهران رفت و محکوم به قصاص شد. در حالی که حکم اشکان برای قصاص اعلام شده بود اما او به حکم خود اعتراض کرد و مدعی شد که در زمان جنایت زیر ۱۸ سال داشته است.

**گروه حوادث /** خانواده پسر جوانی که در جریان یک درگیری به قتل رسیده بود به خاطر روز میلاد حضرت زینب و با گذاشتن دو شرط از خون قاتل پسرشان گذشت کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت ساعت ۳ صبح ۲۷ شهریور سال ۹۲ در منطقه نسیم‌شهر رباط‌کریم رخ داده بود. وقتی مأموران کلانتری ۱۲ نسیم‌شهر به محل حادثه رفتند مشخص شد که ۲ پسر نوجوان سوار بر خودروی پژو با ۴ پسر درگیر شده و یکی از پژوسواران در این درگیری به قتل رسیده است.

جسد مقتول ۱۹ ساله به پزشکی قانونی منتقل و در ادامه تحقیقات هویت قاتل ۱۶ ساله نیز بر ملا شد. تحقیقات برای دستگیری پسر نوجوان به نام اشکان ادامه یافت و تیم جنایی ابتدا راهی خانه متهم فراری شدند اما از آنجا نیز فرار کرده بود.

### ■ مخفی شدن در کمد

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که اشکان به خانه خواهرش پناه برده و در آنجا مخفی شده است.

## راز قتلی که بعد از ۲ سال فاش شد

**گروه حوادث/** کمیسوین ۷ نفره پزشکی قانونی بعد از دو سال راز قتل مرد مواد فروش را در حالی فاش کرد که وی با فرضیه مرگ بر اثر مصرف مواد مخدر دفن شده بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۳۰ مهر سال ۹۷، کشف جسد مرد جوانی در نزدیکی ترمینال جنوب به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام و در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مرد جوان به نام جمشید در کار خرید و فروش مواد مخدر بوده و اعتیاد نیز داشته است. آثار کیبودی و جراحات روی بدن وی و مرگ مشکوک او باعث شد که به دستور بازپرس جنایی، جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود. در تحقیقات اولیه علت مرگ مصرف بیش از حد مواد اعلام شد. شاهدان نیز در تحقیقات اعلام کردند، جمشید محلی را به پاتوق فروش مواد مخدر اختصاص داده و روز حادثه با دو برادر معتاد و مواد فروش بر سر مالکیت این پاتوق درگیر شده بود.

در ادامه این دو برادر بازداشت شدند، اما آنها منکر جنایت بوده و برادر بزرگ‌تر در تحقیقات گفت: با جمشید سر محل فروش مواد مخدر درگیر شدیم و من او را زدم اما او به خاطر مصرف بیش از حد مواد مخدر، حالش بد شده و فوت کرده است. با توجه به اینکه مدارکی درخصوص قتل وجود نداشت و دو برادر نیز منکر جنایت بودند، آنها با قرار وثیقه آزاد شدند.

### نظریه کمیسوین پزشکی قانونی

در حالی که به نظر می‌رسید جمشید بر اثر مصرف بیش از حد مواد فوت کرده باشد اما خانواده او مدعی شدند که پسرشان کشته شده است. بنابراین به دستور بازپرس جنایی، کمیسوین سه نفره و پنج نفره پزشکی قانونی نیز تشکیل شد و کارشناسان اعلام کردند جمشید بر اثر مصرف بیش از حد مواد فوت کرده است.

اما نظریه کمیسوین پنج نفره نیز خانواده مرد معتاد را راضی نکرد و آنها دوباره به این نظریه اعتراض زدند و گفتند پسرمان به خاطر درگیری و صدمه فوت کرده و بی‌شک به قتل رسیده است.

### تأیید قتل

با اعتراض خانواده جمشید، کمیسوین ۷ نفره پزشکی قانونی تشکیل شد و این بار نظریه پزشکی قانونی متفاوت با دفاعات قبل بود. آنها اعلام کردند که علت مرگ جمشید اصابت جسم سخت به سرش بوده است. با اعلام نظریه جدید پزشکی قانونی، بازپرس محمدجواد شعبی دستور بازداشت مرد جوانی را که با جمشید درگیر شده بود صادر کرد.

برادر بزرگ‌تر به نام کیوان در همان تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرد. به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

### گفت و گو با متهم

چه شد که دست به قتل زدی؟ به خاطر کینه‌ای که از او داشتم، دست به قتل زدم. او به برادر کوچک‌ترم فحاشی کرده و او را زده بود، من هم وقتی با او درگیر شدم، پاره آجری را که در آن اطراف بود برداشتم و چندین ضربه به سرش زدم.

اختلاف و درگیری برادرت با جمشید سر چه بود؟ یک محلی بود که ما آنجا مواد می‌فروختیم و مواد مصرف می‌کردیم. برادرم روز حادثه رفته بود تا مواد



بفروشد که جمشید به او می‌گوید اینجا پاتوق من است و تو حق فروش مواد را نداری. سر همین مسأله باهم درگیر شدیم. جمشید حتی به معنادانی که آنجا مواد می‌کشیدند، می‌گفت باید به من حق حساب بدید، چرا که اینجا پاتوق من است. وقتی من رسیدم، او داشت به برادرم فحاشی می‌کرد و من به حمایت از برادرم با او درگیر شدم و با پاره آجری به سرش زدم.